



علیه تروریسم - علیه جنگ ، برای صلح و آزادی

عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر در دوشهر امریکا ، تحولات مهمی را در سطح جهان و منطقه آسیای مرکزی و خاورمیانه بدنبال داشته و دامنه این تحولات یقیناً به ایران که در مرکز این منطقه قرار دارد کشیده خواهد شد . بسیار اهمیت دارد که حوادث و تحولات جاری با دقت و هوشیاری بسیار دنبال شود .

۱ / دولت امریکا بلافاصله پس از این عملیات تروریستی ، اعلام کرد که یک جنگ طولانی را بر علیه تروریسم پیش خواهد برد . این اعلان جنگ دو هدف را دنبال میکند :

- پاسخ گوئی به احساسات جریحه دار شده مردم آمریکا
- بهره گیری از شرائط مساعد جهانی ناشی از این واقعه برای گسترش حوزه نفوذ خود در جهان و حفظ سرکردگی آمریکا . به دنبال فروپاشی اردوگاه سابق سوسیالیستی و ازبین رفتن جهان دو قطبی ، امریکا به دنبال آن است که با اتکاء به قدرت بی رقیب نظامی خود ، سرکردگی مطلق خود بر جهان را تثبیت کند . جنگ های منطقه ای بهترین امکان را به امریکا می دهد تا با برپائی پایگاه و استقرار نیروی نظامی ، حضور مستقیم خود را در مناطق سوق الجیشی جهان گسترش دهد . جنگ عراق فرصت خوبی به امریکا داد تا با اعزام نیرو به خلیج فارس ، ضمن بدست آوردن پایگاه در خاک عربستان ، حضور دائمی خود در خلیج فارس را تثبیت کند . اکنون اعلام جنگ به تروریسم و کشور های حامی آن ، این فرصت را به امریکا می دهد تا به این بهانه ، جنگ های منطقه ای برپا کرده و سلطه نظامی خود را تقویت کند .

به دنبال همین سیاست است که برای اولین اقدام ، افغانستان را مورد حمله قرار داده است . کشوری که دوست چندان در جهان ندارد و حکومت قرون وسطائی طالبان و حمایت آنها از گروه تروریستی القاعده و بن لادن ، امکان توجیه تهاجم نظامی را به راحتی فراهم می کند . امریکا همچنین اعلام کرده است که خود را محق در تجاوز نظامی به هر کشوری ، که خود آن را حامی تروریسم بشناسد ، دانسته و منتظر اجازه و یا تأییدیه مجامع بین المللی و سازمان ملل نخواهد شد .

هدف مقدم امریکا تصفیه حساب با حکومت طالبان و استقرار یک دولت تحت نفوذ خود در افغانستان است . همزمان برقراری روابط گسترده تر با کشور های تازه مستقل شده آسیای مرکزی و احتمالاً به دست آوردن پایگاه و یا برقراری روابط نظامی با آنها هدف دیگر امریکا می باشد . در دنباله این جنگ چنانچه شرائط تغییر نکند ، امریکا سیاست حضور خود در منطقه را تداوم خواهد داد و با دولت هایی که به هر دلیلی آنها را نامطلوب تشخیص می دهد ، تصفیه حساب خواهد کرد .

در سطح جهانی نیز امریکا به همراه دیگر کشورهای اروپائی با دامن زدن به مسئله امنیت ، مسابقه تسلیحاتی را شدت بخشیده و در عرصه داخلی خود نیز به بهانه مبارزه با تروریسم خواهند کوشید تا آزادی ها مدنی را محدود کنند . البته باید توجه داشت که جنبش صلح طلبانه در این کشور ها ، مخالفت خود با این جنگ را نشان داده و با گذشت زمان این جنبش گسترش خواهد یافت .

۲ / افغانستان ضعیف ترین کشور منطقه آسیای مرکزی است . این کشور پس از بیش از بیست سال جنگ ، یکی از فقیر ترین و عقب مانده ترین کشورهای جهان است . حکومت قرون وسطائی طالبان نه تنها در چند سال گذشته قدمی در راه حل مشکلات مردم افغان برنداشته ، بلکه با مستقر کردن یک حکومت اسلامی متحجر و اعلام یک جنگ مذهبی بر علیه مردم خود ، بر خرابی ها و عقب ماندگی این کشور افزوده است . اعلام جنگ امریکا ، بزرگترین کشور سرمایه داری جهان به این کشور فقیر ، تراژدی قرن حاضر است . مردم افغانستان که بیش از بیست سال متمادی بر اثر جنگ آواره و خانه بدوش بوده اند ، اکنون از وحشت موشک های امریکا ، مجدداً به سمت کشور های همجوار آواره شده اند . سرما ، گرسنگی و بیماری در انتظار میلیون ها افغانی است که قربانیان مستقیم این جنگ هستند . تروریسم از سوی بشریت رد شده است و پاسخ آن جنگ نیست . جنگ همچون ترور یک اقدام غیر انسانی است . هیچ دلیلی این جنگ را توجیه نمی کند . این مردم افغانستان هستند که باید تکلیف طالبان و حکومت آینده خود را روشن کند . حکومت طالبان با پشتیبانی امریکا و کشور های زیر نفوذ وی چون پاکستان و عربستان سعودی به قدرت



رسیده و در قدرت مانده است. مردم افغانستان برای سرنگونی طالبان نیاز به بمب ندارند، کافی است که مداخله و حمایت قدرت های خارجی از پشت طالبان برداشته شود.

۳ / حکومت ایران از ابتدای این ماجرا سیاست بی طرفی را دنبال کرد. عامل اصلی این سیاست قبل از هرچیز ترس از حمله امریکا بود. حکومت اسلامی ایران از ترور برای سرکوب مردم و بویژه حذف فیزیکی مخالفین خود، در داخل و خارج از ایران، به شکل وسیع بهره برده و می برد. از همان ابتدای استقرار جمهوری اسلامی، حمایت های مستقیم حکومت از عملیات تروریستی در خاورمیانه بر کسی پوشیده نیست. عملیات تروریستی که به کشته و مجروح شدن اتباع کشور های اروپائی و امریکا منجر شده است. پرونده اقدامات تروریستی حکومت اسلامی ایران بسیار قطور است و از آن جمله پرونده دادگاه میکونوس و پرونده های شکایت از عملیات تروریست حزب الله لبنان در دادگاه های امریکا که مستقیماً ایران را مشوق و پشتیبان این اقدامات می شناسند. همین پرونده قطور است که باعث وحشت سردمداران رژیم ایران شده و جناح خامنه ای را واداشت تا موقتا هدایت واکنش سیاسی نسبت به این واقعه را به دولت خاتمی سپارد.

جناح خاتمی با استفاده از موقعیت بدست آمده می کوشد تا برخی مواضع از دست رفته را تسخیر کند و موقعیت خود در درون حکومت استحکام بخشد. سیاست جنگ طولانی علیه تروریسم که از سوی امریکا اعلام شده طبعاً فشار های معین خود را بر حکومت ایران خواهد آورد. گر چه احتمال رویارویی مستقیم امریکا با ایران فعلاً منتفی است، ولی از سوی دیگر امکان مانور حکومت و بویژه جناح خامنه ای را بسیار محدود می کند. در چنین شرائطی جناح خاتمی که در ظاهر سیاست عدم مداخله در امور کشور های دیگر را در چارچوب کلی و برقراری روابط با امریکا را دنبال می کرد، فعال خواهد شد و بازبودن دست این جناح در سیاست خارجی به کسب قدرت بیشتر در داخل کشور و درگیری های دو جناح نیز خواهد انجامید. جناح خاتمی خواهد کوشید تا با فعال شدن در عرصه سیاست خارجی و به بهانه برقراری رابطه با امریکا و گفتگوی تمدن ها، چهره تروریستی حکومت اسلامی را پنهان کند.

از سوی دیگر جناح خامنه ای نیاز به سیاست خارجی "ضد امریکائی - اسرائیلی" دارد تا نفوذ خود در کشور های اسلامی را حفظ کند. در ابتدا این جناح سکوت اختیار کرد. ولی با آغاز جنگ و بمباران خاک افغانستان توسط امریکا، جناح خامنه ای فرصت مناسبی یافت تا به بهانه این جنگ و بمباران مردم بی دفاع، ژست انسان دوستانه گرفته و با محکوم کردن جنگ به امریکا حمله کند. اگر چه این حملات به غلظت و شدت گذشته نیست، ولی تا کی این سیاست را بتواند دنبال کند، سوالی است که تنها چگونگی سیر تحولات در روزهای آینده پاسخ خواهد داد. در هر حال سیاست عافیت طلبی، به انزوای رهبران اسلامی ایران در جبهه اسلامی "ضد امریکائی - اسرائیلی" خواهد انجامید. از سوی دیگر ادامه جنگ و طولانی شدن آن به جناح خامنه ای فرصت خواهد داد تا با تکیه بر احساسات ضد جنگ مردم در ایران و جهان، مجدداً تبلیغات "ضد امریکائی - اسرائیلی" خود را با شدت گذشته از سر گیرد.

۴ / شرائط کنونی در منطقه این امکان را بدست داده تا مسئله ترور و تروریسم در سطح جهان طرح شود. در چنین شرائطی تروریستها در موقعیت نامناسبی قرار دارند و طبعاً برای قربانیان آنها فرصت مطلوبی است تا مبارزه خود علیه تروریسم را گسترش دهند. مردم ایران در طول بیست سال گذشته، خود گرفتار یک رژیم تروریست و جنایتکار بوده و سال ها است که با تروریسم دولتی مبارزه می کنند. مبارزه با تروریسم حکومتی در ایران در چنین موقعیتی باید گسترش یابد.

در عین حال باید دقت داشت که مداخله امریکا در امور داخلی ایران به بهانه مبارزه با تروریسم، جنگ یا محاصره اقتصادی، نه تنها به نفع مردم نیست، بلکه خشونت را در ایران دامن خواهد زد و به تقویت حکومت ارتجاعی خواهد انجامید. از این رو با تمام قدرت باید با مداخله امریکا در امور ایران مخالفت کرد.

جنبش آزادی خواهانه مردم ایران در شرائط کنونی باید با گسترش مبارزه خود علیه رژیم و افشاء وسیع تروریسم دولتی جمهوری اسلامی، با سیاست های هژمونی طلبی امریکا خط و مرز کشیده و با مخالفت گسترده خود با جنگ در افغانستان و همدردی با مردم این کشور، هرگونه مداخله در امور داخلی دیگر کشورها و منجمله ایران را از سوی قدرت های جهانی محکوم کند.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

۱ آبان ۱۳۸۰ - ۲۳ اکتبر ۲۰۰۱